

استندهای قرآنی امام رضا^(ع) در تبیین تمایز عترت از امت در مناظره با مأمون

حسن مجیدی*

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری

اعظم ناصریان خلیل آباد**

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸)

چکیده

مناظره از شیوه‌های مطلوب تبیین و نشر معارف الهی در رویارویی با آرا و اندیشه‌های مخالفان اسلام است که در مکتب علمی و عملی اهل بیت، علیهم‌السلام، از جمله امام رضا (ع) مورد توجه بوده است. از مناظره‌های مهم امام رضا (ع) با مأمون، در باب موضوع عترت و امت و بیان تفاوت میان آنها بوده است که ایشان با استناد به آیات قرآن کریم، عترت را همان اهل بیت، یعنی حضرت فاطمه (س) و دوازده امام معصوم، علیهم‌السلام، معرفی می‌فرماید که برگزیدگان خدا بر روی زمینند و در مقام و منزلت، پرهیزکاری و اطاعت خداوند نسبت به امت برتری دارند و بر امت اطاعت و پیروی از آنها تکلیف الهی است. هدف از این پژوهش، فهم و درک تفاوت بین امت و عترت با توجه به مناظره امام رضا (ع) با مأمون پیرامون این مسأله است. پرسش اصلی این پژوهش که نگارندگان با استناد و تتبع به منابع مهم و روش کتابخان‌های در صدد پاسخ بدان هستند، این است که آیا بین امت و عترت فرق است؟ در صورت وجود، وجوه این تفاوت چیست؟ لذا تعاریفی چون امت، عترت، آل و ... با توجه به مناظره امام رضا (ع) با مأمون مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت، نتیجه حاصل از بررسی مناظره امام رضا (ع) در تفاوت بین امت و عترت آشنایی با سیره ائمه و نگاه آنها به مسأله فوق بوده است که به این نتایج می‌رسد که عترت افرادی برگزیده از میان امت است، گزینش عترت از سوی خدای بزرگ صورت گرفته است و علت گزینش صلاحیت آنها برای رهبری امت بعد از پیامبر (ص) است.

واژگان کلیدی: مناظره، امام رضا، مأمون، عترت، امت.

* E-mail: Majidi.dr@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: az_na664@yahoo.com

مقدمه

مناظره در زمان امام رضا (ع) از ضرورت و اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، چراکه شرایط فرهنگی و سیاسی جامعه اسلامی در آن زمان با خلافت مأمون که همراه با تهاجم فرهنگی درونی و برونی و نیز تلاش حکومت عباسی برای انزوای امامت و ولایت بود، موجب می‌شد تا پرسش‌ها و شبه‌های متعددی ایجاد گردد. پیدایش این وضعیت پاسخگویی و دفاع از کیان اسلام، تشییع و اصول دین را توسط امام رضا (ع) ایجاب می‌کرد. آن حضرت هنگامی که در مناظره‌های خویش در مجلس مأمون، جایگاه والای عترت پیامبر (ص) را با استدلال به آیات قرآن تشریح می‌فرمود، آیاتی را که در باب فضیلت اهل بیت، علیهم‌السلام، است، نیز شمارش می‌نمودند، چرا که سؤال‌هایی در این مناظره مطرح می‌شد مبنی بر اینکه چه تفاوت‌هایی بین عترت و امت وجود دارد و امتیاز عترت بر امت چیست. این جستار در صدد بیان مناظره امام (ع) با مأمون است و در خلال گفتگوها، بیان‌ها و مناظره‌های امام رضا (ع) جایگاه عترت و امت مورد بررسی قرار می‌گیرد، از جمله نمونه‌هایی از استدلال که آن امام بزرگوار با استناد به قرآن کریم بیان داشته است. بدیهی است در خلال این بررسی موضوعی، مجموع‌های از اطلاعات و معارف مرتبط با امام رضا (ع) و قرآن ارائه خواهد شد.

(۱) روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی و کتابخانه‌ای است که با شناسایی و گردآوری منابع معتبر، اقدام به بررسی و تتبع منابع کرده است و ضمن فیش‌برداری، مطالب تدوین گردیده است.

(۲) پیشینه پژوهش

بررسی مناظره‌ها و پاسخ‌های قرآنی که امام رضا (ع) در مجالس خود داشتند، یکی از مباحث مهمی است که بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته تا در این زمینه به مطالعه و تحقیق بپردازند و بیان امام (ع) پیرامون امامت و عترت و قرآن را تجلی بخشند؛ از جمله مقاله «امام رضا (ع) و رسالت تبیین قرآن» نوشته حسن خرقانی در سال ۱۳۸۳، دیگری «آموزه‌های قرآنی در استدلال‌های رضوی» نوشته فرزاد حکیمیان در سال ۱۳۸۸ می‌باشد و حتی مقاله پیرامون مناظره‌های ایشان با سایر ادیان با عنوان «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا (ع) با بزرگان ادیان» نوشته محمد صادقیان در سال ۱۳۸۸ نیز مورد پژوهش قرار گرفته است. از دیگر پژوهش‌ها مقاله «تجلی علوم اهل بیت در مناظره‌های حضرت رضا

(ع) نوشته جواد مصطفوی در سال ۱۳۶۴، «جایگاه امامت از دیدگاه امام رضا (ع)» نوشته احمد ترابی در سال ۱۳۸۲ می‌باشد. کتاب‌هایی که در آنها به موضوع مقاله حاضر اشاره شده است و جزو منابع مهم می‌باشند، کتاب‌های *عیون أخبار الرضا (ع)* اثر شیخ صدوق، *مسند الإمام الرضا (ع)* اثر عطاردی خبوشانی، *تحف العقول عن آل الرسول* اثر ابن شعبه حرّانی می‌باشد. در این پژوهش‌ها نویسنده اشاره ضمنی به تفاوت امت و عترت و مفاهیم آن داشته است که اینک در این مقاله به صورت گسترده‌تر بررسی می‌شود.

۳) تعریف مناظره

مناظره در لغت به معنای «با هم نظر کردن حقیقت و ماهیت یک امر می‌باشد و در واقع، ردّ و بدل شدن اندیشه‌ها در آن امر است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴: ۲۱۵۶۳). همچنین به معنای بحث، مجادله و نزاع دو نفر یا دو جمع با یکدیگر در حقیقت یک موضوع به کار می‌رود و مناظره در اصل قایم به دو نفر است: سایل و مجیب. به صورت سؤال و جواب‌هایی پیاپی و منظم است؛ یعنی پرسنده می‌کوشد خصم را به پذیرش قضایایی وادار کند و آنگاه از همان قضایای اعتراف‌شده، قیاسی ترتیب دهد که ناقض وضع مجیب باشد. پس سائل می‌پرسد و مجیب هم از وضع خود در جدل دفاع می‌کند و به سؤال‌های طرف مقابل پاسخ می‌دهد (ر.ک؛ مظفر، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۲۳۹).

۴) تعریف عترت

«عترت» به معنای نسل و قبیله‌هایی است که بسیار نزدیک باشند به انسان (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۷۳۵) و «ذُرّیه» در لغت به معنای اولاد است (ر.ک؛ همان: ۶۶۳). در *المنجد* نیز معنای امت را اینگونه آورده است: «ذُرّیه، فرزندان، نسل، بستگان و خویشاوندان که جمع آن العتر است؛ عترته خیر البریه: عترت او بهترین عترت‌هاست» (معلوف، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۰۷۳). ابن‌اثیر می‌گوید: «عترَةُ الرَّجُلِ أَحْصُ أَقَارِبِهِ» (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۷۷) و نیز ابن‌الأعرابی گوید: «العترَةُ وَوَلَدُ الرَّجُلِ وَ ذُرِّيَّتُهُ وَ عَقْبُهُ مِنْ صُلْبِهِ. فَعْتَرَةُ النَّبِيِّ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ (س)»؛ عترت انسان به خاص‌ترین (و نزدیکترین) خویشاوندان وی اطلاق می‌شود و عترت رسول‌الله (ص) فرزندان فاطمه (س) هستند. گفته‌ای سعید این است که: «العترَةُ سَاقُ الشَّجَرَةِ. وَ عْتَرَةُ النَّبِيِّ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ وَ وَوَلَدُهُ؛ عترت به معنای تنه درخت است و عترت پیامبر عبارتند از جدّ او) عبدالمطلب و فرزندان وی». ابن‌منظور معانی گوناگونی را که برای عترت ذکر شده یادآور

می‌شود و می‌نویسد: «عترت انسان نزدیکان وی شامل فرزند و غیر آن است و گفته شده عترت گروه و عشیره نزدیک به شخص است و کسانی را که در گذشته‌اند یا در آینده به دنیا می‌آیند، در بر می‌گیرد» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۳۴).

۳- تعریف اَمّت

کلمه «امّت» از ریشه «أَمَّ» به معنی آهنگ، قصد و عزیمت کردن است؛ مانند آیه: ﴿أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ (المائده/۲)؛ یعنی «قاصدان خانه خدا» و این معنی ترکیبی است از سه معنی «حرکت»، «هدف» و «تصمیم خودآگاهانه». همچنین مفهوم «جلو و پیشروی» نیز در آن نهفته است. با حفظ این معانی، کلمه اَمّت در اصل به معنی «الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ» است؛ یعنی راه روشن، پیوند اساسی و مقدّس افراد انسانی با هدف «رفتن در یک راه با مقصد و قبله و رهبری مشترک و ایده‌آل» (ر.ک؛ شریعتی، ۱۳۸۲: ۴۰). راغب اصفهانی می‌گوید: «امّت هر جماعتی است که یک چیز مثل دین، زبان یا مکان آنها را جمع کند؛ مثلاً در آیه ۱۲۰ از سوره نحل: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا﴾، ابراهیم به تنهایی یک امّت شمرده شده است؛ زیرا آن روز فقط او موحد بود؛ یعنی او در عبادت خدا در مقام یک جماعت بود» (التحل/۱۲۰). در لسان/العرب آمده است: «الأمّة تمام افرادی که حضرت محمد (ص) برای آنها فرستاده شده است، چه کسانی که به او ایمان آورده‌اند و چه کسانی که کافر شدند» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۱۵).

۴- عترت چه کسانی هستند؟

با توجه به اینکه طبق روایات زیادی، از جمله حدیث کساء، اهل بیت رسول خدا (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن و امام حسین (ع) هستند، نتیجه می‌گیریم که مقصود از «عترت» همان «اهل بیت» است. رسول خدا (ص) فرمودند: «من میان شما دو چیز گرانبها بر جای می‌گذارم که اگر به آنها چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی‌شوید. یکی از آنها که از دیگری بزرگ‌تر است، کتاب خداست که مانند ریسمانی از زمین به آسمان کشیده شده است و دیگری عترت و خانواده‌ام» (ابن کثیر، ۱۹۷۸ م، ج ۴: ۱۲۲).

از امیرمؤمنان علی (ع) پرسیدند: «اینکه پیامبر فرمودند: من در میان شما دو چیز گرانبها قرار دادم، کتاب خدا و عترت را، عترت چه کسانی هستند؟ ایشان در جواب فرمودند: من و حسن و حسین و نه

امام از فرزندان حسین، که نهمین آنها مهدی و قائم است. آنها از کتاب خدا جدا نمی‌شوند و کتاب خدا نیز از آنان، تا اینکه کنار حوض کوثر در بهشت بر رسول خدا (ص) وارد شوند» (غفاری، ۱۳۶۱، ج ۴: ۹۰ و متقی الهمدی، بی تا، ج ۱: ۱۸۶).

۵- قرآن محوری در گفت‌وگوهای کلامی اهل بیت و امام رضا (ع)

مطالعه در روایات بر جای مانده از عترت در زمینه مباحث عقیدتی آشکار می‌سازد که ملاک ایشان در ارزش‌گذاری مباحث، معارف قرآن بوده است. با این توضیح که هرگاه موضوعی در قرآن مطرح بود و باعث پرسش عقیدتی شد و ابعاد و جوانب آن نیاز به توضیح و استدلال داشت و یا هر موضوعی که بی‌پاسخ گذاشتن آن باعث مخدوش شدن قرآن یا معارف قرآنی می‌شد، آنان با دقت و حساسیت موضوع را مورد تجزیه و تحلیل و استدلال قرار می‌دادند و چنانچه هیچ یک از این ویژگی‌ها را نداشت، آن را زاید و لغو می‌دانستند. قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت (ع)، تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیرمستقیم، روشنگر کتاب الهی در ابعاد گوناگون آن است. میراث قرآنی و تفسیری باقی مانده و ارزشمند از وجود مبارک امام رضا (ع) از نمونه‌های اعلی و عظیم ذخایر قرآنی تفسیر معصومان است و از آنجا که لطف و حکمت خداوند متعال همواره اقتضا کرده که انسان را در پهنه طبیعت، بی راه و راهبر رها نکند، میراث قرآنی را در میان خاندان نبوت دست به دست نموده تا به هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) رسید و آن امام همام، وارث کتاب الهی و مفسر راستین قرآن گردید و اکنون دوازدهمین حجت، امام عصر (ع) وارث آن است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۱۹).

حضرت رضا (ع) در شأن قرآن می‌فرماید: «قرآن ریسمان و دستگیره محکم الهی است. قرآن راه برتری است که انسان‌ها را به سوی بهشت ره می‌نماید و از آتش دوزخ می‌رهاند. گذشت زمان آن را فرسوده نمی‌کند و گفتار آدمیان آن را تباه نمی‌سازد؛ زیرا ویژه زمانی خاص نیست و دلیل روشنی برای همه انسان‌هاست. از پیش رو و پشت سر، خطّ بطلان بر آن کشیده نمی‌شود و نیز کتابی است فرود آمده از سوی خداوند حکیم حمید» (صدوق، ۱۴۱۶ ق: ۲۲۳).

۶- شیوه‌های تبیین قرآن در استدلال‌های امام رضا (ع)

دوران حیات پربار امام هشتم (ع) میان سال‌های ۱۴۸ تا ۲۰۳ قمری و از ۵۵ سال عمر مبارک آن حضرت، بیست سال مدت امامت ایشان بود که هفده سال در مدینه و سه سال در خراسان گذشت.

عصر آن امام، عصر شکوفایی علم و دانش بود و مأمون برای آنکه آن حضرت در گفت‌وگو مغلوب شود و از چشم مردم بیفتد، بزرگان علمای ادیان مختلف و متکلمان را به مناظره با وی می‌خواند، اما بر خلاف انتظار او، امام (ع) بر همه چیره می‌گشت و آنان را در برابر حق به اقرار و اعتراف وامی‌داشت و همه از دانش و احاطه امام به کتاب‌های آسمانی شگفت‌زده می‌شدند (ر.ک؛ خرقانی، ۱۳۸۳: ۵).

با توجه به آنچه درباره رابطه میان امام و قرآن یاد شد، بخش عمده‌ای از گفتار و سیره امام رضا (ع) به شکل مستقیم یا غیرمستقیم به شرح، تبیین و عینیت بخشیدن کتاب خدا اختصاص دارد. بنابراین، می‌توان در دیدی فراتر از آنچه یاد می‌شود، به گزارش، شرح و تفسیر قرآن در بیان امام پرداخت. آنچه از ایشان در ابواب مختلف فقه یاد شده، به گونه‌ای تبیین و تفصیل آیات الاحکام و اوامر و نواهی الهی است و آنچه درباره توحید، نبوت، امامت، معاد، ایمان، کفر و دیگر مسایل اعتقادی به جای مانده، شرح و بسط معارف اعتقادی قرآن است. اندرزها، آداب و اخلاق کریمانه آن حضرت، آیات اخلاقی قرآن را حکایت می‌کند. کوتاه سخن اینکه قرآن در «اندیشه»، «گفتار» و «کردار» امام علی بن موسی الرضا (ع)، تجسم و عینیت تمام یافته است (ر.ک؛ همان).

مأمون از حضور امام رضا (ع) در نزد خود اظهار مباهات می‌کرد و از وجود آن امام همام در تشکیل نشست‌ها و مناظره‌های علمی میان دانشمندان مذاهب مختلف بهره می‌برد. امام رضا (ع) نیز چنین شرایط را فرصت مناسبی برای بیان حقایق دین اسلام و تبیین آموزه‌های قرآنی می‌دانستند و با بهره فراوانی که در علم و دانش و اخلاق و معنویت داشتند، به استدلال و گفت‌وگو با اهل دانش و مناظره می‌پرداختند (ر.ک؛ جعفریان، ۱۳۶۹: ۸۴). از آنجا که منبع دانش آن حضرت، کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم (ص) بود، طبیعتاً به این دو منبع غنی و بااهمیت استناد می‌کردند. نمونه‌هایی از استدلال‌هایی را که آن امام بزرگوار با استناد به قرآن کریم بیان داشته، در این نوشتار از نظر می‌گذرد.

۷- استناد به قرآن و ذکر شاهد از آن

از ویژگی‌های برجسته سبک گفتاری امامان، علیهم‌السلام، کاربرد فراوان آیه‌های قرآن است. آنان اصرار داشتند که گفتار و کردار خود را به قرآن کریم مستند کنند و فرموده‌اند: «هرگاه سخنی از ما می‌شنوید، دلیل آن را از کتاب خدا بخواهید» (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۶). این استناد و استشهاد به قرآن، هم سخن امام (ع) را مستدل و محکم می‌سازد و راه خلل و خدشه را بدان می‌بندد، به‌ویژه برای آنان که معرفت و شناخت لازم را از امام نداشته‌اند، هم به دیگران می‌آموزد که چگونه از قرآن بهره گیرند و با پیاده کردن آن در زندگی، نیازمندی‌های خود را از آن بگیرند و پرسش‌های خود را با آن

پاسخ گویند. با دقت در چگونگی برداشت ائمه، علیهم‌السلام، از قرآن و چگونگی استناد بدان، شیوه‌های ارزشمندی در تفسیر قرآن و استنباط از آن به دست می‌آید و راهکارهای پیاده کردن قرآن در زندگی روشن می‌شود. بسیار است که امام رضا (ع) در ضمن یا ذیل سخن خویش، آیه‌های قرآن را به کار برده، آن را به قرآن کریم مستند می‌کنند و گاه در تأیید سیره خویش از قرآن شاهد می‌آورند. از این رو، در تمامی ابواب حدیث به جستجوی کاربرد آیه‌های قرآن در سخن آن حضرت می‌توان پرداخت؛ برای نمونه در حدیث معروف امامت، آن امام همام به ۲۳ آیه از قرآن کریم به طور صریح استشهاد می‌کنند و عبارت‌های قرآنی دیگری نیز به صورت تلویحی با سخن ایشان ترکیب شده است (ر.ک؛ همان، ج ۲: ۱۳۰-۱۱۶).

۸- عترت در استدلال‌های امام رضا(ع)

در *عیون الأخبار الرضا* به سند خود از ریّان بن صلت از امام رضا (ع) روایت کرده که در مناظره با مأمون و علما در فرق بین عترت و امت و فضیلت عترت بر امت آمده است که ریّان بن صلت می‌گوید امام رضا (ع) در مجلسی که مأمون در مرو ترتیب داده بود، حاضر شدند. در آن مجلس عده‌ای از علمای عراق و خراسان حضور داشتند. مأمون از علما پرسید: معنی این آیه را برایم بگویید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...﴾ (فاطر / ۳۲) «(ر.ک؛ غفاری، ۱۳۷۲: ۴۶۸). علما گفتند: مراد خداوند، تمامی امت است. مأمون گفت: یا ابالحسن نظر شما چیست؟ امام رضا (ع) فرمود: با آنان هم‌عقیده نیستیم، بلکه به نظر من، مراد خداوند عترت طاهره حضرت محمد (ص) است. مأمون گفت: چطور نظر خداوند فقط عترت بوده نه امت؟! حضرت فرمودند: اگر مراد تمام امت باشد، همگی آنان باید اهل بهشت باشند؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ سپس این کتاب (آسمانی) را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم، (اما) از میان آنها عده‌ای بر خود ستم کردند و عده‌ای میانه رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکی‌ها (از همه) پیشی گرفتند و این، همان فضیلت بزرگ است. سپس همه را اهل بهشت قرار داده است و فرموده: ﴿جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ (پاداش آنان) باغ‌های جاویدان بهشت است که در آن وارد می‌شوند، در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند و لباس آنان در آنجا حریر است! ﴿(همان / ۳۳). پس وراثت مخصوص عترت پیامبر است نه دیگران» (عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۱۴). مأمون گفت عترت چه کسانی هستند؟ امام رضا (ع) فرمود:

«همان کسانی که خداوند آنان را در کتاب خود این گونه وصف نموده است: ﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ ... خداوند می خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد ﴿(الأحزاب / ۳۳)﴾. آنان همان کسانی هستند که پیامبر (ص) درباره آنان چنین فرموده است: ﴿إِنِّي مُخْلِيفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى تَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلِفُونِي فِيهِمَا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ: مَنْ دُوَ چيز گرانبها که عبارت از خدا و عترت و اهل بيت من است، در ميان شما باقى مى گذارم و آن دو از يکديگر جدا نخواهند شد تا در حوض بر من وارد شوند. ببينيد بعد از من در مورد آن دو چه مى کنيد؟﴾ (ترمذی، بی تا، ج ۵: ۶۶۲؛ ح ۳۷۸۶).

۹- فضیلت اهل بیت (عترت) بر دیگران

مأمون گفت: «آیا خداوند عترت را بر سایر مردم برتری داده است؟ امام رضا (ع) فرمودند: خداوند فضل و برتری عترت را بر سایر مردم در کتاب خود شرح داده است. مأمون گفت: در کجای قرآن؟ امام رضا (ع) فرمودند: در این آیات: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: خداوند آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد. * آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند و خداوند، شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود آگاه می باشد) ﴿(آل عمران/۳۴-۳۳)﴾.

آنگاه بعد از این آیه خطاب را به سایر مؤمنان متوجه نموده، می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بخواهید)، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است ﴿(النساء / ۵۹)﴾ (غفاری، ۱۳۷۲: ۴۷۲).

علما گفتند: آیا خداوند برگزیدگان را در کتاب خویش تفسیر نموده است؟ امام رضا (ع) فرمودند: «خدا برگزیدگان را در ظاهر قرآن در دوازده آیه تفسیر نموده است و این غیر از مواردی است که در باطن و تأویل قرآن آمده است. مورد اول آیه شریفه ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ و خویشاوندان

نزدیکت را انداز کن! ﴿الشعرا/ ۲۱۴﴾. این مقامی است رفیع، و فضلی است عظیم، و شرافتی است بلندمرتبه. آنگاه که خداوند با این کلام آل را مورد نظر قرارداد و برای رسول خود ذکر فرمود: «همان: (۴۷۳)».

دومین آیه مورد استناد امام رضا (ع) در مورد «اصطفا» و برگزیدگان، آیه تطهیر است: ﴿...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا: ... خداوند می خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد﴾ (الأحزاب/ ۳۳) و این فضلی است که هیچ کس از آن بی اطلاع نیست و آن را انکار نمی کند، مگر دشمن معاند گمراه؛ زیرا فضل و برتری بالتر از طهارت متصور نیست (ر.ک؛ عطار دی خوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۱۵).

۱۰- استدلال بر فضیلت امیر مؤمنان علی (ع)

از جمله آیاتی که امام رضا (ع) به آنها استدلال فرموده است، آیه شریفه مباحله است. در گفتگویی که مأمون با آن حضرت درباره بزرگترین فضیلت امیر مؤمنان علی (ع) داشت، امام (ع) به همین آیه استدلال کرد: ﴿فَمَنْ حَا جَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم﴾ (آل عمران/ ۶۱).

بعد از این دستور الهی حضرت رسول (ص) علی، حسن، حسین (ع) و فاطمه (س) را بیرون آورد و آنها را با خود همراه ساخت. آیا می دانید معنای این عبارت «خودمان و خودتان» چیست؟ علما گفتند: پیامبر از این عبارت خود را در نظر داشته است. پس ثابت شد که هیچ یک از بندگان خدا والاتر از رسول خدا و افضل از او نبوده اند و نیز لازم آمده که آخدی افضل از نفس رسول خدا که علی بود، به دلالت آیه شریفه وجود نداشته باشد (ر.ک؛ غفاری، ۱۳۷۲: ۴۷۵).

مأمون گفت: این استدلال درباره امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و فاطمه (س) صحیح است، اما درباره علی (ع) درست نیست، چون ممکن است رسول خدا شخص خود را در حقیقت گفته باشد، نه فرد دیگری را. پس آیه فضیلتی برای امیر مؤمنان نخواهد بود. مأمون که از پاسخ امام رضا (ع)

شگفت‌زده شده بود، گفت وقتی که جواب آمد، سؤال جایگاه خود را از دست می‌دهد (ر.ک؛ مفید، ۱۳۷۲: ۳۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۸۸). امام رضا (ع) فرمود: اشتباه می‌کنید. منظور آن جناب، علی بن ابی‌طالب بوده است و دلیل بر این مطلب جمله‌ای است از رسول اکرم (ص) که فرمودند: «بنو ولیعه دست از این کارها برمی‌دارند یا مردی همانند خودم را به سوی آنها روان می‌کنم» که منظور حضرت علی (ع) بوده است و مراد از «ابناء» در آیه شریف، حسن و حسین، علیهما‌السلام، مراد از «نساء»، فاطمه، علیها‌السلام، می‌باشد. این خصوصیت و ویژگی است که هیچ کس در آن بر ایشان مقدم نیست و فضیلتی است که هیچ بشری در آن فضیلت به آنان نمی‌رسد و شرفی است که احدی از مردم در آن شرف بر آنان سبقت ندارد، چون پیامبر (ص) نفس علی (ع) را همانند نفس خود قرار داده است (ر.ک؛ متقی‌الهندی، بی تا، ج ۴: ۴۴۱).

آیه دیگر مورد اشاره در سوره یونس است که پیامبر اکرم (ص) همه مردم به جز عترت خود را از مسجد خارج نمود، به گونه‌ای که مردم، حتی عباس، عموی پیامبر، در این موضوع زبان به اعتراض گشودند و گفتند: علی (ع) را باقی گذاردی و ما را خارج کردی! حضرت فرمود: من نیستم که او را باقی گذارده‌ام و شما را خارج کرده‌ام بلکه خداوند چنین کرده است. این مطلب، این فرمایش پیامبر اکرم (ص) را روشن می‌کند که آن حضرت به علی (ع) فرمود: «ای علی! نسبت تو به من مانند هارون به موسی است» (ر.ک؛ عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۱۶). علما گفتند: این موضوع در کجای قرآن است؟ امام رضا (ع) فرمودند: «خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّنْ لَبِئُوا وَأَجْعَلُوا بِيُوتِكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ و به موسی و برادرش وحی کردیم که برای قوم خود خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید و نماز را برپا دارید و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می‌شوند!)» (یونس / ۸۷)» (غفاری، ۱۳۷۲: ۴۷۷).

۱۱- فضیلت دوستی خویشان رسول‌الله

آیه دیگر این آیه است که می‌فرماید: ﴿...قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ...﴾... بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالت خود نمی‌خواهم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم...]. (الشوری / ۲۳). این خصوصیتی است خاص پیامبر اکرم (ص) تا روز قیامت و نیز ویژگی مخصوص آل پیغمبر (ص) است و نه دیگران؛ زیرا خداوند متعال در قرآن از نوح (ع) نقل فرموده است: ﴿وَيَا قَوْمِ لَا

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَإِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ: ای قوم! من به خاطر این دعوت اجر و پاداشی از شما نمی‌خواهم. اجر من تنها بر خداست و من آنها را که ایمان آورده‌اند، (به خاطر شما) از خود طرد نمی‌کنم، چراکه آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود)، ولی شما را قوم نادانی می‌بینم! ﴿هود/ ۲۹﴾.

چه بسا انسان شخصی را دوست بدارد، ولی با بعضی از خانواده‌اش دشمن باشد، لذا قلب انسان نمی‌تواند او را کاملاً خالصانه دوست بدارد و خداوند دوست دارد در دل رسول‌الله (ص) نسبت به مؤمنین چیزی نباشد. بنابراین، دوستی خویشان و نزدیکان رسول خدا را بر امت واجب فرموده است و هر کس که به دستور این آیه عمل کند و حضرت رسول (ص) و اهل بیت آن حضرت را دوست داشته باشد، رسول خدا نمی‌تواند او را دشمن داشته باشد و هر کس این دستور را ترک کند و به آن عمل ننماید و اهل بیت را دوست نداشته باشد، بر رسول خدا واجب است که او را دوست داشته باشد؛ زیرا چنین شخصی یکی از واجبات الهی را ترک کرده است، حال چه فضل و شرفی بر این فضیلت تقدّم دارد یا با آن برابری می‌کند؟! (ر.ک؛ غفاری، ۱۳۷۲: ۴۷۹-۴۷۸).

وقتی خداوند آیه ﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ را نازل فرمود، رسول‌الله در میان اصحاب خود برخواست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! خداوند برای من چیزی را بر شما واجب کرده است. آیا آن را انجام می‌دهید؟! کسی پاسخ ایشان را نداد. حضرت فرمود: ای مردم! آن واجب طلا، نقره، خوردنی و نوشیدنی نیست. گفتند: خوب حال بگو آن چیست؟ حضرت همین آیه را برای آنها قرائت فرمود، آنان گفتند: این مطلب را می‌پذیریم، ولی بیشترشان به وعده خود عمل نکردند. خدا اطاعت کردن از حضرت محمد (ص) و دوستی ذوی‌القربای او را بر امت واجب فرمود و بدو دستور داد که اجر و مزد خود را در حق خاندانش قرار دهد تا مردم آن اجر را به خاندان پیامبر ادا نمایند (ر.ک؛ همان: ۴۷۹).

به هر روی، آنچه مسلم است اینکه دوستی درباره خویشان واجب است. پس هر چه قرابت بیشتر باشد، بیشتری برای دوست داشتن و دوستی اولویت دارد و هر چه نسبت اشخاص به پیامبر (ص) نزدیکتر باشد، دوستی به همان مقدار بیشتر است، ولی با پیغمبر خدا در مورد علاقه و محبت او نسبت به خاندانش و منتی که خدا بر امت او نهاده که زبان از شکر آن عاجز است، به انصاف برخورد نکردند و آن را در حق فرزندان و خاندان پیامبر (ص) انجام ندادند و موقعیت آنان را در میان خود همانند چشم

در سر ندانستند که این کار در واقع، رعایت حال رسول الله (ص) و نشانه محبت او بود، چگونه؟ و حال آن که قرآن در این باره سخن می گوید و آنان را به آن دعوت می نماید و اخبار و روایات درباره اینکه آنان اهل مودت می باشند و همان کسانی هستند که خداوند مودت آنان را واجب فرموده است و برای آن وعده پاداش داده است، مسلم و قطعی است. این مودت و ابراز دوستی به اهل بیت را کسی با اخلاص و ایمان انجام نمی دهد، مگر اینکه مستوجب بهشت خواهد بود؛ زیرا خداوند می فرماید: ﴿...وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ * ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ نَأْسَأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنَّا الْمُؤَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يُقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است؛ این است فضل (و بخشش) بزرگ! * این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بدان نوید می دهد! بگو: من هیچ پاداشی از شما برای رسالت خود درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]، و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی او می افزاییم، چراکه خداوند آمرزنده و سپاسگزار است ﴿الشوری/ ۲۳-۲۲﴾ «همان/ ۴۸۲-۴۸۱».

۱۱- فضیلت سلام و درود بر اهل بیت

سخن خدا در آیه این است که: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید! بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید ﴿(الأحزاب/ ۵۶)﴾. پس از نزول این آیه مردم خدمت پیامبر (ص) رسیدند و گفتند: یا رسول الله! نحوه سلام کردن بر شما را می دانیم، ولی بفرمایید شیوه درود فرستادن بر شما چگونه است؟ پیامبر فرمود: این چنین بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ﴾. خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستاده ای. همانا تو ستوده و بزرگی» (غفاری، ۱۳۷۲: ۴۸۵ و عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۱۸).

حال آیا در این مورد سخنی دارید؟! همه گفتند: نه. مأمون گفت: این مطلب از جمله مواردی است که در آن اختلاف نیست و همه امت بر آن اتفاق دارند، ولی آیا آیه واضح تری از قرآن در مورد «آل»

دارید؟ امام رضا (ع) با استناد به آیه هشتم فرمود: آری. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ: یا، سین. سوگند به قرآن حکمت‌آمیز * که تو از پیامبران هستی﴾ (یس / ۱-۳). بگوئید بینم منظور از «یس» چیست؟ علما گفتند: «یس» محمد (ص) است و کسی در این باره شک ندارد. حضرت رضا (ع) فرمود: خداوند به محمد و آل محمد فضلی عنایت فرموده که هیچ کس به کُنه وصف آن نمی‌رسد. مگر کسی که خوب در آن بیندیشد؛ زیرا خداوند بر هیچ کس جز انبیاء خود سلام نداده است. خدا می‌فرماید: ﴿سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ: سلام بر نوح در میان جهانیان باد!﴾ (الصافات / ۷۹). نیز فرموده است: ﴿سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ: سلام بر ابراهیم﴾ (همان / ۱۰۹). یا فرموده است: ﴿سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ: سلام بر موسی و هارون﴾ (همان / ۱۲۰)، ولی نفرموده است: سلام بر آل نوح، سلام بر آل ابراهیم، سلام بر آل موسی و هارون. اما فرموده است: ﴿سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ﴾ (همان / ۱۳۰)؛ یعنی سلام بر محمد و آل محمد. در این هنگام مأمون گفت: دانستم که شرح و بیان این نکته نیز نزد شما اهل بیت است (ر.ک: عطاردی خوششانی، ۱۲۹۷ق، ج ۲: ۶۲۶).

۱۲- حقوق اهل بیت (ع)

آیه مورد استناد دیگر این آیه است که می‌فرماید: ﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ... و حق نزدیکان را بپرداز...﴾ (الإسراء/۲۶). این آیه دلالت دارد بر خصوصیتی که خداوند عزیز و جبار آنان را بدان اختصاص داده است و بر سایر امت برگزیده است. وقتی که این آیه نازل شد، پیامبر (ص) فرمود: «ای فاطمه! حضرت فاطمه، علیها السلام، عرض کرد: بله یا رسول الله. حضرت فرمود: این فدک از جمله غنایمی است که بدون جنگ به دست آمده است، لذا طبق حکم خداوند مال من است و دیگران در آن سهمی ندارند و حال که خدا امر فرموده، آن را به تو بخشیدم، آن را بگیر، مال تو و فرزندان توست» (متقی الهندی، بی تا، ج ۳: ۷۶۷).

در آیه ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى... بدانید هر گونه غنیمت به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر، و برای ذی‌القربای پیامبر و... است﴾ (الأنفال/۴۱). خدا با این بیان، سهم خویشاوندان پیامبر را به سهم خود و سهم رسول الله قرین ساخته است. این نیز یک وجه تمایز بین امت و آل است؛ زیرا خداوند آنان را در مکانی جای داده، و مردم را در جای دیگر، و برای آنان همان را پسندیده که برای خود پسندیده است و در آن مورد آنان را برگزیده است. اول از خود شروع کرده، سپس پیامبر را ذکر فرموده است و بعد خویشاوندان او را در آنچه با

جنگ یا بدون جنگ و خونریزی و غیر آن به دست آمده باشد. همانا چیزهایی را که خدا برای خود پسندیده، برای آنان نیز پسندیده است و در این باره فرموده است و گفته‌اش حق است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...﴾. پس این تأکیدی مؤکد و اثری پاینده است تا روز قیامت که برای آنان در قرآن آمده؛ قرآنی ناطق که باطل از پیش رو و پشت سر در آن راه ندارد و از پیش خدای حکیم و حمید نازل گشته است.

اما در قضیه صدقات، هم خود و هم رسول خود و اهل بیت خویش را منزّه دانسته است و فرموده: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾: زکات‌ها خاصّ فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (گردآوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبت ایشان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان، (ادای دین) بدهکاران، در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه. این یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است ﴿(التوبه/۶۰)﴾ (ر.ک؛ عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۲۰).

۱۳- وجوب اطاعت از اهل بیت

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ...﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را... ﴿(النساء/۵۹)﴾. خداوند در این آیه نیز از خود آغاز کرده، سپس پیامبر و آنگاه اهل بیت او را ذکر فرموده است. همچنین در آیه ولایت می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾: سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند ﴿(المائدة/۵۵)﴾.

خداوند اطاعت از آنان و اطاعت از رسول اکرم (ص) را همراه و قرین اطاعت خود گردانده است. همچنین ولایت آنان را با ولایت حضرت رسول (ص) همراه نموده است، همچنان که سهم آنان را همراه با سهم رسول اکرم (ص) از غنیمت و فیه با سهم خویش قرین. پاک و منزّه است خدا و چه عظیم است نعمت او بر این اهل بیت! «(غفاری، ۱۳۷۲: ۴۹۰).

۱۴- اهل ذکر چه کسانی هستند؟

این آیه که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم! اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است) ﴿التحل / ۴۳﴾.

امام رضا (ع) می‌فرماید: «سبحان الله! آیا چنین چیزی جایز است؟ در این صورت آنان ما را به دین خود دعوت خواهند کرد و خواهند گفت: آن دین از اسلام بهتر است! مأمون گفت: آیا در این باره توضیحی دارید بر خلاف گفته‌ی علما؟ امام رضا (ع) فرمود: بله، ذکر رسول الله است و نیز اهل او هستیم و این مطلب در قرآن و در سوره طلاق کاملاً روشن است، آنجا که می‌فرماید: ﴿...فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ * رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ... پس از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید! (زیرا) خداوند چیزی که مایه تذکر است بر شما نازل کرده؛ * (یعنی) رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند... ﴿الطلاق / ۱۱-۱۰﴾. پس رسول خدا (ص) «ذکر» است و ما هم اهل او هستیم (عطاردی خوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۲۰).

۱۵- مأمور به صلاة

آخرین آیه این است که می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...﴾ خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش... ﴿طه / ۱۳۲﴾. این ویژگی خاص ماست که ما را همراه امت، امر به اقامه نماز فرمود. سپس جدای از سایر امت این ویژگی را به ما داده است که حضرت رسول (ص) بعد از نزول این آیه، نه ماه تمام، هر روز در وقت نمازهای پنجگانه، به در خانه علی (ع) و فاطمه زهرا (س) می‌آمد و می‌فرمود: «الصلاة، يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ: نماز، لطف و رحمت خدا بر شما باد». خدا نیز هیچ یک از اولاد انبیاء را به چنین کرامتی که ما را بدان گرمی داشته، اکرام نکرده است و تنها ما را از خاندان انبیاء مخصوص نموده است. پس این است فرق میان آل و امت. در اینجا مأمون و علمای حاضر در مجلس گفتند: خداوند به نیابت از این امت به شما اهل بیت جزای خیر عنایت فرماید (ر.ک؛ همان، عطاردی خوشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

مناظره در لغت به معنای «با هم نظر کردن حقیقت و ماهیت یک امر می‌باشد و در واقع، ردّ و بدل شدن اندیشه‌ها در آن امر است» که در اصل قائم به دو نفر است: سائل و مجیب. «عترت» به معنای نسل و قبیله‌ای است که بسیار به انسان نزدیک باشند. آل محمد (ص) ذریّه آن حضرت است و عترت آن حضرت، اصحاب عباوند و امت آن حضرت، مؤمنان هستند که تصدیق کرده‌اند آنچه را که آن حضرت از جانب خدا آورده است و گفته‌اند «آل‌النبی» مخصوص کسانی است که از نظر علم و دانش به پیامبر اختصاص دارند. علم ایشان از ناحیه پیامبر آغاز شده است و بدو نیز پیوسته است. راغب اصفهانی در باب امت می‌گوید: هر گروهی که به واسطه امری یا ایده‌ای با هم جمع شوند، خواه آن امر مسأله دین واحد، زمان واحد یا مکان واحد باشد فرقی نمی‌کند. این امر جامع، امری اجباری یا اختیاری باشد و جمع امت، «امم» می‌باشد. ابن طلحه شافعی چهار اصطلاح، برای خویشاوندان پیامبر اسلام ذکر کرده که نسب آنها به عبدالمطلب برمی‌گردد: «آل رسول، اهل بیت، عترت و ذوی القربی» (شافعی، ۱۴۱۹ ق، ۳۱). بنابراین، در قرآن و سنت، اهل بیت، آل، عترت، قری، ذریه، از واژه‌های مترادفی است که به خویشاوندان پیامبر اسلام (ص) بازمی‌گردد که آیه تطهیر سند طهارت را به آنها داده است.

امام به عنوان داناترین و باتقواترین فرد جامعه اسلامی، مرجع دینی، علمی و سیاسی جامعه به شمار می‌رود و بر همین اساس، بیش از همه، شایستگی لازم برای رهبری و مدیریت آن را داراست. قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت، علیهم‌السلام، تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان، مستقیم یا غیرمستقیم، روشنگر کتاب الهی در ابعاد گوناگون آن است. از این رو، یکی از رسالت‌های مهم امامان معصوم (ع) تبلیغ دین، بیان احکام و تفسیر قرآن بوده است. میراث قرآنی و تفسیری دست به دست در آنها گردیده تا به هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) رسید. امام رضا (ع) با پرداختن به آیات تطهیر، مباحله، مودت و آیات دیگر دوری عترت را از پلیدی اثبات می‌نمایند و در تفاوت عترت با امت اشاره می‌فرمایند که «عترت» افرادی برگزیده از میان امت است که گزینش آنها از سوی خدای بزرگ صورت گرفته است و علت گزینش صلاحیت آنها برای رهبری امت بعد از پیامبر (ص) است. خداوند اطاعت از آنان و اطاعت از رسول اکرم (ص) را همراه و قرین اطاعت خود گردانیده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- فیه در اصطلاح فقها مالی است از کافران که بدون کارزار و جنگ و خونریزی عاید مسلمانان شده است؛ مثل جزیه، خراج و مانند آنها (حلی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۱۹).

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث و أثره*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق.). *التوحيد*. قم: مؤسسه نشر اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه).

_____ . (۱۳۷۲). *عیون أخبار الرضا (ع)*. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: انتشارات اسلامی.

_____ . (۱۳۶۱). *معانی الأخبار*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه).

ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل. (۱۹۷۸ م.). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالمعرفه.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۹ق.). *البرهان في تفسير القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی.

پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۸). *سیمای پیشوایان در آینه تاریخ*. تهران: دارالعلم.

ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا). *الجامع الصحیح*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*. قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۶۸). *صاحح اللغة*. تهران: چاپ گویا.

خرقانی، حسن. (۱۳۸۳). «امام رضا (ع) و رسالت تبیین قرآن». *مجله تخصصی الهیات و حقوق*. ش ۱۴. صص ۱۹۲-۱۶۱.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.

زبیدی، مرتضی. (١٤١٤ ق.). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.

شافعی، محمد بن طلحه. (١٤١٩ ق.). *مطالب السئول فی مناقب آل رسول*. بیروت: مؤسسه البلاغ. شریعتی، علی. (١٣٨٢). *اقت و امامت*. تهران: انتشارات آمون و بنیاد شریعتی. عطاردی خبوشانی، عزیزالله. (١٤٠٦ ق.). *مسند الامام الرضا*. مشهد: المؤتمر العالمی الامام الرضا (آستان قدس رضوی).

کلینی، محمد بن یعقوب. (١٣٧٢). *اصول کافی*. قم: انتشارات أسوه. متقی الہندی، علاءالدین علی. (بی تا). *کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال*. بیروت: مؤسسه الرسالة. مجلسی، محمدباقر. (١٤٠٣ ق.). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء. مظفر، محمد رضا. (١٤٢١ ق.). *منطق*. بیروت: النعمان. معلوف، لوئیس. (١٣٧٨). *المنجد*. ترجمه محمد بندرریگی. تهران: فرهنگ معاصر. مفید، محمد بن محمد. (١٣٧٢). *الفصول المختاره*. بیروت: دار المفید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی